

تجربیات علمی و تحقیقاتی (۱)

دکتر محمد علی نویدی

سرشناسه	: ۱۳۴۳- نویدی، محمدعلی،
عنوان و نام پدیدآور	: تبارشناسی تفکر (۱) / محمدعلی نویدی.
مشخصات نشر	: ۱۳۹۶. تهران : دایره دانش،
مشخصات ظاهری	: مصور، جدول، نمودار. ۳۸۵ ص.
شابک	: 978-600-7111-57-4 : ۲۳۰۰۰۰ ریال
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: واژه نامه.
موضوع	: اندیشه و تفکر - تاریخ
موضوع	: Thought and thinking - History
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۶ ن ۹ / ۱۰۵B
رده بندی یوبی	: ۱۲۸/۳۳
شماره کتاب سی ملر	: ۵۰۳۲۶۲۴
سرشناسه	: ۱۳۴۳- نویدی، محمدعلی،
عنوان و نام پدیدآور	: تبارشناسی تفکر (۱) / محمدعلی نویدی.
مشخصات نشر	: ۱۳۹۶. تهران : دایره دانش،
مشخصات ظاهری	: مصور، جدول، نمودار. ۳۸۵ ص.
شابک	: 978-600-7111-57-4 : ۲۳۰۰۰۰ ریال
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: واژه نامه.
موضوع	: اندیشه و تفکر - تاریخ



تبارشناسی تفکر (۱)

نویسنده	: نویدی، محمدعلی
مدیر نشر	: حامد جمالی نسب
صفحه آرای و طراحی	: علیرضا دارستانی فراهانی
نوبت چاپ	: اول - ۱۳۹۶
تیراژ	: ۵۰۰
قیمت	: ۲۳۰۰۰۰ ریال
شابک	: ۹۷۸۶۰۰۷۱۱۱۵۷۴

دفتر فروش، تهران - خیابان انقلاب - رویروی تربیت بدنی دانشگاه تهران - جنب بانک صادرات - کتابفروشی محسن

تلفن: ۶۶۴۹۳۶۶۲ - ۰۹۱۲۳۷۷۶۸۸۰

کلیه حقوق و حق چاپ متن و عنوان کتاب که به ثبت رسیده است؛ مطابق با قانون حقوق مولفان و مصنفان مصوب ۱۳۴۸ محفوظ و متعلق به انتشارات دایره دانش می باشد. هرگونه برداشت، تکثیر، کپی برداری به هر شکل (چاپ، فتوکپی، انتشار الکترونیکی) بدون اجازه کتبی ناشر ممنوع بوده و متخلفین تحت پیگرد قانونی قرار خواهند گرفت.

فهرست عناوین

۱۹	 ضرورت تبارشناسی، در ساحت تفکر
۴۹	 حکمت ادریسی
۵۵	 ریشه دیرینه تفکر و حکمت
۶۱	 تفکر و حکمت زرتشت
۶۷	 تأثیر تفکر زرتشت در عهد باستان
۷۲	 تبارشناسی تفکر و تربیت
۷۷	 ایران زمین مهد خردمندی
۸۳	 میانی تبارشناسی تفکر در ایران باستان
۹۰	 فیثاغورث و تبارشناسی تفکر
۹۵	 نقش تفکر فیثاغوری در تبارشناسی تفکر
۹۹	 تفکر چند ساحتی فیثاغورث
۱۰۵	 تبارشناسی تفکر پیش از افلاطون
۱۱۰	 سقراط و گشودن راه تفکر

۱۱۵.....	مقدمه ای بر تبارشناسی تفکر در افلاطون
۱۲۱.....	نقش افلاطون در تبارشناسی تفکر
۱۲۶.....	افلاطون و لذت تبارشناسی تفکر
۱۳۲.....	زمینه ی تاریخی تفکر ارسطو
۱۳۸.....	آثار ارسطو و نسل تبارشناسی
۱۴۴.....	تأثیر تفکر ارسطو در تبارشناسی
۱۴۷.....	مابعدالطبیعه ارسطو رکن رکن تبارشناسی تفکر
۱۵۳.....	چرا ارسطو در تبارشناسی تفکر نقش حیاتی دارد
۱۵۹.....	مقدمه ای بر تبارشناسی تفکر در دوره یونانی مابعد
۱۶۴.....	تبارشناسی تفکر در دوره یونانی مابعد
۱۶۹.....	تبارشناسی تفکر در دوره یونانی مابعد
۱۷۴.....	تفکر اپیکوری
۱۸۰.....	"تفکر رواقیان"
۱۸۶.....	تفکر در اسکندریه
۱۹۲.....	تفکر در روم باستان
۱۹۶.....	برخی از اندیشمندان روم باستان
۲۰۱.....	نمونه ای از حاکم حکیم
۲۰۶.....	نوای عقل در مکتب نو افلاطونی
۲۱۰.....	پرتو عقل در مکتب نو افلاطونی
۲۱۴.....	تفکر در هند باستان
۲۱۸.....	سیر تحول تفکر در هند باستان
۲۲۳.....	تفکر نجات در هند باستان

۲۲۷	نقش آیین بودایی در استمرار تفکر هند باستان
۲۳۲	مقدمه ای بر تبارشناسی تفکر در چین باستان
۲۳۸	تفکر اصلاح در چین باستان
۲۴۴	تفکر مه آلود در چین باستان
۲۴۹	سیر تحول تفکر در چین باستان
۲۵۸	افول تفکر و ظهور قرون وسطی
۲۶۳	پدران کلیسا، بپستش و پرشش
۲۶۸	فترت تفکر در قرون وسطی
۲۷۳	سپیده دم تفکر در جهان اسلام
۲۷۹	ترجمه راهی بسوی اسلام
۲۸۵	تفکر مبنای توافق
۲۹۰	تفکر و پیدایش تبارهای نوین
۲۹۵	تفکر نردبان تقرب
۳۰۰	تفکر فلسفی و تحقیق علمی
۳۰۵	منزلت عقل در نزد زکریای رازی
۳۱۱	فارابی و تبارشناسی تفکر
۳۱۶	حقیقت واحد بنیاد تفکر فارابی
۳۲۲	عروج ذهن، بنیان نظریه معرفت فارابی
۳۲۷	اندیشه سیاسی و اجتماعی فارابی
۳۳۳	رام عقل و رامش جان
۳۳۹	پویایی در تفکر مسکویه
۳۴۴	تبار تفکر در پورسینا

۳۴۹		علامت‌های تفکر بزرگ
۳۵۵		تکیه گاه تفکر در بوعلی سینا
۳۶۰		اثرمحوری در روان شناسی ابن سینا
۳۶۵		نظریه ی شناخت ابن سینا
۳۷۴		پلکان شکوفایی در تفکر ابن سینا
۳۸۰		تأثیر تفکر ابن سینا

www.ketab.ir

پیشگفتار

چرا مطالعه و بررسی و تحقیق و تأمل، تعمق در خصوص تبارشناسی تفکر، ضرورت دارد؟ تفکر اثربخش، چه نسبتی با تبارشناسی تفکر، می‌تواند داشته باشد؟

برای درک و شناخت ابعاد و زوایای گوناگونی تبارشناسی تفکر، برخی ملاحظات پیش‌دستانه و پیش‌قدمانه حاجت می‌باشد؛ به تعبیر دیگر، فهم تبارشناسی، پیش‌فهم‌ها نیاز دارد؛ منظور از پیش‌فهم‌ها، پیش‌دانسته‌ها و ملاحظات تبارشناسی است که موجب ظهور و بروز فهم خاصی از سیر تفکر و ریشه‌شناسی اندیشه‌ها و روش‌ها را آشکار می‌کند. ویژگی ویژه‌ای از جنس اندیشگی در انسان می‌شود؛ پیش‌فهم‌ها، پیش‌فرض‌ها هستند، بلکه از منظر تبارشناسی تفکر، تمهیدات و مقدمات نیک فهمی و ژرف‌اندیشی، جریانی تفکر هستند؛ در واقع، امکان‌های سهولت اندیشیدن در خصوص خاستگاه‌های تفکرات و اندیشه‌ها می‌باشند.

در این رشته مطالعات و تحقیقات و تأملات، تبارشناسی، با تفکر اثربخش و اندیشه‌ورزی اثرگذار نسبت دارد و از جانب دیگر، تبارشناسی، از منظر تفکر، با تبارگذاری مشکلات و

مناسبت دارد؛ از این حیث، تبارشناسی، با تاریخ پژوهی فرق‌ها دارد، تبارشناسی تنها بیان حکایت و سرگذشت اندیشه‌ها نیست بلکه تفتن و توجه و تأمل به خاستگاه و ریشه تفکرها و چرایی و چگونگی تحولات و تطورات آنها است. در حقیقت، وقتی جان اندیشنده و ذهن دریابنده و عقل درک کننده، با جریان تأمل ورزی و خردمندی همراه شود، فهم تبارشناسانه محقق می‌گردد؛ بنابراین، در تبارشناسی تفکر، ویژگی تأخیر و تأنی بجای تعجیل و ترجیح سطحی مطاع می‌گردد؛ چون خاصیت تفکر، نفوذ و رفتن به لایه‌های زیرین و عمیق و سطوح و بطون نامتناهی است؛ پس، تبارشناسی تفکر، با تقدم و تأخر نظام‌های فکری سر و کار دارد؛ اصل با و تراها در ساحت تفکر، خود موضوعیت دارند، یعنی، متعلق شناسایی هستند و مدار و محور بحث می‌باشند؛ بر خلاف سایر موضوعات، مثل اخلاق یا سیاست یا اقتصاد و غیره، که از قبل با پیش فرض‌ها و اغراض معین و اهداف مشخص، مورد شناخت و کاوش تاریخی یا تبارشناسی قرار می‌گیرند؛ مثل تبارشناسی اخلاق در نیچه؛ لذا، تبارشناسی تفکر با سایر انواع تبارشناسی فرق دارد؛ البته نسبت اینها، نسبت تبیین نیست، بلکه دارای وجوه اشتراک و افتراق هستند؛ مهم تشخیص این افتراق‌ها و اشتراک‌ها در سیر تفکرات است.

پس، تبارشناسی تفکر، تلاش و کوشش عقلانی و برهانی تاریخی و اسنادی و نسبت شناسانه، راجع به خاستگاه و ریشه‌ها و اینکه چه موقعی و در کجا جریان تفکرات رشد و سیر داشته است؛ این سؤال مهم و مسأله اصلی تبارشناسی تفکر است؛ تبارشناسی تفکرات کجاها است؟ چرا و چگونه تفکر بشری تکوین و تکون و تحول پیدا کرده است؟ تغییرات و تحولات تفکری، در درازای تاریخ و زمان و زندگی و انسان، چگونه صورت پذیرفته است؟ آیا تغییرات و دگرگونی‌های تفکر، در حیات اجتماعی آدمی، اثربخش بوده است؟ کار تبارشناسی، "genealogy" در اصل ریشه‌شناسی "etymology" است،

گویی، انسان با خردورزی در خصوص ریشه و تبار تفکر، می‌خواهد، شجره و سلسله دودمان و خاندان تفکرات و اندیشه‌ها و متفکران و اندیشمندان را بشناسد و به داخل جریان و مسیر تأمل ورزی نفوذ کند؛ مثلاً، دودمان پادشاهان صفوی در ایران از شاه اسماعیل اول شروع می‌شود و به سلطان حسین ختم می‌گردد، کم و کیف این دودمان همان شجره‌شناسی آنها است؛ که در پاره و قطعه‌ای از زمان محقق شده و اثرگذار بوده است "۸۸۰-۱۱۰۱ ثسی". بنابراین، پیش فهم‌ها، ملاحظات اولیه و تجارب و معلومات و در نظر گرفتن مقدمات است تا شناخت تبارشناسی امکان پذیر گردد، این پیش گفته‌ها، امکان و ابزار حرکت و بن‌سایه‌ها و ریشه‌ها و تبارها را فراهم و میسر می‌سازد؛ بنابراین، با تحقق این حرکت و فعالیت نوعی توانمندی و نیرو بخشی و صفت عقلانی و فکری در تبارشناسی برای انسان حاصل می‌شود، یعنی آشنایی با تبارشناسی تفکر، توانمندی روحی و ذهنی پیدا می‌کند.

برخی از پیش فهم‌ها و پیش گفته‌های ضروری برای فهم تبارشناسی تفکر را در اینجا به اجمال مورد تأمل قرار می‌دهیم: تفکر در نسبت هم‌پسندی و جاودان با حقیقت و تحقق است، درک و فهم از روی دلیل شأن و مقام فطری و ذاتی انسان است و تفکر شناخت از روی دلیل است؛ به عبارت دیگر، تفکر جست و جوی حقیقت است بر امر محقق از روی دلیل و برهان است؛ این جست و جوی و کاوش عقلانی، غور در تبارها و ریشه‌ها و اثرهای تفکرات است. تبارها و ریشه‌ها با هم نسبت حیاتی و وجودی دارند، یعنی، تبارشناسی تفکر، در واقع، نسبت شناسی اندیشه‌ها با همدیگر است؛ اندیشی، شناخت نسل فکرها و نسبت آنها با یکدیگر می‌باشد. اما، تبارشناسی در عالم انتزاع و ذهن محض و بدون التفات به عین و واقعیت، ناممکن است، واقعیت در زمان و مکان می‌باشد "واقعیت محقق"، اساساً، تفکر امر بشری و تاریخی و زمانی است، و تفکرات ریشه و تبار در زمان دارند، پس، در

فهم تبارشناسی تفکر، درک نسبت آن با زمان و ازمنه مهم است؛ و ملاحظه شرایط مکانی و جغرافیایی و اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی و سیاسی و فضای علمی نیز حایز اهمیت می‌باشد؛ گویی، تبارشناسی تفکر، با نگرش ساختاری و ترتیب اجزاء و عناصر مرتبط می‌باشد؛ بنابراین، تبارشناسی تفکر، یک رویکرد و دیدگاه و نگاه خاص به رویش و پویش و بالندگی و شکوفایی تفکرات و اندیشه‌ها در تاریخ اندیشگی انسان است. پس، تبارشناسی تفکر، رای بر این است که شرایط امکان است؛ یعنی، چه اتفاقی می‌افتد که در یک دوره زمانی یک تفکر ظهور می‌کند و تفکر دیگر افول می‌نماید؟ چه عواملی سبب غلبه یک گفتمان فکری می‌شود و چه عواملی موجب زوال یک نگرش اندیشگی می‌گردد؟ در تبارشناسی تفکر، روش استدلالی و تاریخی و تحلیلی، هماهنگ و پیوسته کارساز می‌باشند؛ تبارشناسی تفکر، هم بررسی خاستگاه‌ها است و هم تحولات و هم گسترش و هم تغییرات و هم ظهور اثرها و هم نقد فرایندهای فکری است در تبارشناسی تفکر، بجای تلاش برای ارزیابی و سنجش تفکرات، به بررسی سیر دگرگونی آنها در تاریخ و زندگانی انسانی پرداخته می‌شود و از این طریق امکان تحلیل و تفسیر ظهور و افول تفکرها، ممکن می‌گردد.

تبارشناسی تفکر، نوعی رهگیری رگه‌ها و بنه‌ها و بن‌ها و اندیشه‌های انسان است؛ این رهگیری، بیانگر، چگونگی پیدایش و تحول فکرها می‌باشد. گرچه، درک شأن نزول و کشف اسباب و مناسبات فکرها، شالوده تبارشناسی تفکر است. این نوع فهم و شناخت از تبارهای فکری و ریشه‌های عقل ورزی، آدمی را به ساحت اثربخشی در تفکر سوق می‌دهد و از انتزاع‌گرایی و ذهنی‌منشی صرف برحذر می‌دارد، چون جان و خرد و عقل آدمی را با واقعیات و حقایق بیرونی ربط می‌دهد و در بستر تاریخی و اجتماعی ترجمان فعالیت اندیشه می‌گردد و یادآوری می‌کند، تبارشناسی به مثابه یک روش است نه غایت و هدف و مقصد نهایی؛ روشی که تاریخی و تطبیقی و تحلیلی و تبیینی است.

تبارشناسی تفکر، شناخت برآمدن و بالیدن فکری و غروب و افول فکری است. تفکرها، دارای تمایزها و تشابه‌ها است مثل نژادها و سلسله‌ها آمد و شد دارند، درک و فهم و شناخت این آمد و شدها، همانا، تبارشناسی تفکر است. در مثل، کار و کوشش تبارشناسی، مثل، باغ و درخت شناسی یا دودمان شناسی است؛ چطور در یک باغ انواع درختان، چه مثمر چه واحد سایر فواید، رشد می‌کنند و پرورش می‌یابند و در نسبت با همدیگر در یک اکوسیستم حیات دارند، از تنیدگی ریشه‌ها و تنه‌ها و ساقه‌ها و شاخه‌ها یا میوه‌ها گرفته و تا سرسبزی و زردی و زایی رمقی و خشکی، با هم نسبت دارند. تبارشناسی تفکر، شناخت اکوسیستم انسانی است؛ شناختی که، اتمولوژی و ریشه شناسی در آن، اصل و اصالت دارد، شناختی که، دوره حیات و مرگ اندیشه‌ها را نشان می‌دهد؛ اکوسیستم تفکر، هم شامل درون و هم بیرون می‌شود. هم شامل ریشه‌ها و هم شامل روابط می‌گردد؛ تبارشناسی تفکر، شایسته است، هم بارانکرها را بشناسد و هم روابط و پیچیدگی‌های اثری آنها را مورد دقت قرار دهد.

بنابراینچه گذشت، تبارشناسی تفکر، نوعی اکوسیستم شناسی است که نسبت موجودات زنده "یعنی تفکر و فعالیت عقل که زنده ترین موجودات هستند" را با محیط و شرایط بیرونی و مادی مورد بحث و بررسی قرار می‌دهد؛ در اکوسیستم، دو وجه و رکن قابل دقت است: پایه اول، اکولوژی است که به زمین و زمینه و شرایط و اقلاناد مشعر است، و پایه دوم، نسبت محیط با موجود زنده است "سیستم و سامان" بدین سان، "ecosystem" تفکر، با ریشه‌ها و روابط و پی‌ها و پیچیدگی‌ها، ارتباط دارد؛ تبارشناسی تفکر، همین پی شناسی و رابطه شناسی اندیشه‌ها است.

از برایند پی‌ها و پیوستگی‌ها تفکری، پیوستگی فرهنگی و تمدنی حاصل می‌شود؛ یعنی، هر جا و هر گاه پیوستگی فرهنگی و تمدنی مشاهده شود و در تاریخ و واقعیت زندگی

انسان ظهور یابد، بی تردید، در ریشه و شالوده آن، تبار تفکری نهفته است؛ به تعبیر دیگر، پیدایش فرهنگ و تمدن در هر جامعه ای، به اتصال اندیشگی بستگی دارد. این واقعیت تاریخی و اجتماعی زندگانی است که فرهنگ و تمدن ریشه در تفکر و تأمل دارد؛ در برابر این واقعیت، عدم فرهنگ و تمدن، از فقدان تفکر عمیق حکایت می کند؛ مثلاً، اگر از تمدن ایران سخن گفته می شود، لاجرم از تفکر ایرانی سخن گفته خواهد شد، یا اگر از تمدن یونان بحث می شود از تفکر یونانی سخن به میان می آید و هکذا سایر فرهنگ ها و تمدن ها. نکته مهم این است که در تبار تفکر گسست ها و انقطاع های مقطعی و موقت به تناوب و با فاصله ها رده است، لیکن، انقطاع کامل تفکر در هیچ دوره ای ممکن نیست، چون تفکر ذاتی انسان و عامل بر ماط شأنیت او و اساس موجودیت زندگی وی می باشد. البته، همین انقطاع ها و گسست های موقت و موضعی و مقطعی، موجب انقطاع و افول فرهنگ و تمدن بوده است؛ یعنی، هر گاه و هر جا، تفکر افول کرده و در محاق رفته و تضعیف شده، فرهنگ و تمدن نیز امکان بالاس پیدا نکرده است؛ مثلاً، دوره امویان و یکصد سال حکومت آنان نمونه ای از این افول تفکر بوده است. بنابراین، پیدایش و پیوستگی فرهنگ ها و تمدن ها، با پیدایش و پیوستگی تفکر نسبت مثبت دارد و از جانب دیگر، پراکندگی فرهنگ و فقدان تمدن نیز با پراکندگی اندیشه و رزانست دارد؛ سخن در این است که فهم و درک این پیوستگی ها و پراکندگی ها، کار تبارشناسی است.

پرسش اساسی این است که این تفکرات، چه نسبتی با انسان و زندگی آدمی دارند؟

تفکر امری و فعالیتی انسانی و بشری و زمینی و زمانی است، خاصیت تفکر خدمت به بشریت است، این خدمت جوهره تفکر است و ظهور آن از ره گذر اثربخش بودن در حیات انسانی و اجتماعی عیان می گردد؛ پس، تفکر و اثربخشی، هم جهت و هم هدف هستند، خدمت به انسانیت و تعالی بشریت. تمام تفکرات و اندیشه ورزی های نیک و خیر، در اصل،

اثربخشی هستند؛ البته دامنه و میدان تفکر، بسیار فراخ و گستره است و شامل هر گونه تأمل و تعمق می‌شود، تبارشناسی تفکر، تشخیص و تمییز انواع تفکرها و اثربخشی آنها نیز می‌باشد؛ گویی، در ساحت تبارشناسی تفکر، در جست و جوی نحوه ی فعالیت قوه عاقله انسان و فعالیت‌های عقلانی و عمیق وی در مقابل فعالیت‌های عادی و سطحی و روزمره هستیم. صفات عالی بشری و فضایل اجتماعی انسانی، سازنده فرهنگ و تمدن است، این خصایص با تفکر و قوه عقلانی نسبت دارد، اوج و افول منزلت انسان نیز با این صفات مشاکلت را نسبت دارد. کار تبارشناسی تفکر، انکشاف و اکتشاف رگه‌ها و شیوه‌های اندیشیدن و نقل و بریدن آدمی است.

تبارشناسی تفکر، اگر به معنی علمی محقق شود، میزان بهره مندی جوامع از سرمایه‌های عقلانی و خردمندی را نشان خواهد داد و نوع مصرف سرمایه اندیشگی هر جامعه را مشخص خواهد کرد. بدین سان، تبارشناسی تفکر، پیدا کردن راه‌های رفته و تجربه‌های زیسته انسان از روی خردمندی است. دامنه آگاهی عقلانی تاریخی بشر نیز با این تبارهای تفکری ارتباط دارد؛ یعنی، عمق تفکر بیانگر قدمت و وسعت آگاهی تاریخی جوامع است؛ شاید، دلیل این نسبت به خاصیت ذاتی فکر برگردد، تفکر جان‌ها را وسعت می‌بخشد و فراخی می‌دهد و از اثرهای ماندگار این وسعت‌بخشی، ظهور آگاهی عقلانی تاریخی است؛ در مقابل، تعجیل و تجلیل بدون تفکر، سبب تقلیل جان‌ها و وسعت عقل‌ها و کاهش آگاهی‌ها می‌شود؛ لذا، فضایل عقلی، اثر تفکر است و فضایل طبیعی "س درختان و انواع میوه‌ها" و مثل، صفات طبیعی انسان، نه فضایل اکتسابی و ارادی و اختیاری، به زمان و تجربه و آرمودگی و خردورزی حاصل می‌شود؛ و آدمی از این فضایل لذت می‌برد و اشرف لذایذ را لذایذ عقلانی می‌داند، چون با انسانیت و منزلت انسانی او و سامان زندگی بشری مرتبط می‌باشد؛ و چون متعلق به اشرف اجزاء وجودی انسان، یعنی، عقل او است.

جان کلام این است که عقل و عمل عقل، همان تفکر است و همین خصلت وجه باقی آدمی است. پیش رفت و توسعه انسان نیز از طریق رونق همین وجه انسانی امکان پذیر است؛ توقف تولید این لذایذ واقعی و حقیقی و فایده‌ها و اثرهای زندگی ساز، نشان از بسر آمدن کارآرایی‌ها و افول اندیشه‌ها است.

بنابراین، تفکر، تلاش برای شناخت حقایق و هستومندی‌های زندگی است و همین حقایق هستی‌ها، زندگی سازند و فهم تبار این نوع شناختن، به تبارشناسی مربوط می‌شود. اما، تفکر غایت و هدف نیست بلکه تفکر و اندیشه ورزی، راه و طرق است، راه‌های گوناگون و طرق مختلف؛ پس تبارشناسی تفکر، راه شناسی عقلانی و فعالیت فکری انسانی است؛ راه و مسیر عقل ورزی، هی‌خواه هوار و مسطح نبوده است، بلکه، دارای پستی و بلندی و فراز و نشیب و بل و پیچ و خم‌ها و چوله بوده است. مثل، جریان رودخانه.

تبارشناسی تفکر، تشخیص حقایق عقلانی و مسیر خردمندی انسان، از راه‌های اساطیری و خرافات و خیالات و اوهام و افسانه‌ها است. لذا، تفکر، توجه است، توجه فردی و جمعی؛ تبارشناسی این توجهات را عیان می‌کند و پیشینه‌ها و سبب‌های اندیشه‌ها را باز می‌نماید؛ متفکران واقعی، همواره دغدغه و مسأله انسان و جامعه داشتند و این دلمشغولی، از نظریه داشتن و مباحث مفصل متفکران بزرگ، هویدا است و تبارشناسی درهای، سترگ در حافله عقلانی و تاریخی آدمی ماندگار است. تبارشناسی تفکر، این قانون اثرهای چند جانبه تفکر را نشان می‌دهد.

شواهد و قراین تبارشناسانه، بیان می‌کند، که تفکر خاص هیچ منطقه و هیچ ملت و قومیت نبوده است، یعنی، تفکر، اگرچه بی وطن و مسکن و خانه نبوده است لیکن، این وطن و مسکن و ماوا، انسان ساخته بوده است؛ پس، تفکر، همه جایی و همه زمانی است. بدین دلیل، تبارشناسی تفکر، فعالیت وامری حیاتی و ضروری است تا وطن تفکر شناخته آید و

صاحب خردان معلوم گردد و اثربخشی‌ها معین شود. تحول آگاهی و رشد عقلانی و تعالی معرفت انسانی و بهبود زندگانی، با تبارشناسی تفکر، ارتباط وجودی و اثری دارد؛ پویش و جویش ریشه‌ها و تبارها و اثرها، با توصیف و تعریف معلول‌ها و رخدادها، فرق بنیادی دارند؛ تبارشناسی تفکر، همراه شدن با جریان اندیشه ورزی و عقلانیت انسان و گونه‌های اثربخشی آن می‌باشد.

در این کتاب بطور اجمال و اشاره، به ضرورت تبارشناسی در ساحت تفکر پرداخته شده است؛ و شیوه بدید "دید" و ادبیات تازه، بر اساس تفکراتربخش، پیش گرفته شده است و تلاش بر این است که نشان‌ها و ریشه‌های تفکر کاوش و پژوهش شود؛ از ادیرس و حکمت ادیرسی شروع کردیم به زرتشت و تفکرایران باستان و نقش آن در تبار تفکر رسیدیم و آنگاه به تفکر فیثاغورس پرداختیم و سپس از سقراط و افلاطون بزرگ و ارسطوی بنیانگذار سخن گفتیم و به دورانی می‌آیم و نتیجه‌های گوناگون تفکری آن دوره اشاره کردیم و به تفکر روم باستان رسیدیم؛ و حتی از تفکر نو افلاطونی بیان آوردیم. از تفکر هند و چین و قرون وسطی مطالبی ذکر کردیم و آنگاه به تفکر دوره اسلامی و ایرانی بعد از اسلام رسیدیم، و از تفکر الکندی و زکریای رازی و ابن سینا و مسکویه و ابن سینای بزرگ پرداختیم.

این کتاب و تفکر اثربخش، شاید، پیش نهادن یک نگرش نوین و نگاه جدید به منزلت تفکر و نوع تحلیل و تفسیر از نحوه ی اندیشه ورزی انسان و نسبت آن با زندگی و حیات اجتماعی باشد؛ در همین راستا، مبحث تبارشناسی قابل درک و فهم و شناخت است؛ پیگیری پی‌های تفکر و روابط پیچیده آنها و راه عقلانیت و چرایی و چگونگی خردورزی انسان‌ها در زمان‌ها و دوره‌ها و مؤلفه‌های فکروورزی و اثربخشی آنها در منظومه‌های

تفکری و چگونگی داد و ستد و مبادله تفکرات و ارث بری از همدیگر و هدایت و سازندگی زندگانی، از جمله اهداف و اغراض این تحقیق و پژوهش و نگارش بوده است.

تلاش و کوشش بنده این بوده است تا شاید، با تحقیق و تأمل در تبارشناسی تفکر، راهی در روشنی بیشتر زندگی و فکر انسان گشوده شود و نوری بر ساحت حیات و خردمندی آدمی افکنده گردد و تحولی در آگاهی عقلانی محصل و محقق شود و به اثربخشی وجودی آدمی منتهی گردد. ان شاء الله.

www.ketab.ir